



۲۰۲۰/۱۲/۲۲



اختر محمد یوسفی

جرم جرم است، مجری آن مجرم است!

انسان در قضاوت‌های مسائل سیاسی-اجتماعی نباید کور خود بینی دیگران باشد. حلقه‌های سیاسی چپ و راست در افغانستان از اوایل تأسیس شان بر مبنای تفاهم ملی و همکاری عمل نکردند بلکه خصومت و دشمنی را در حق مادر وطن انجام دادند. در این عده از پیروان ماؤ در افغانستان بشمول اسحاق ننگارگر دل خوش کرده ملامتی های جنگ را بدوش حریفان خویش می اندازد. جای هیچ شک وجود ندارد که پیروان خط چین (ماؤ) در افغانستان منجمله ننگارگر و محروم عثمان لنڈی نیز فرشته های آسمانی و موسیچه های بی آزار هم نبودند و نیستند. میدانیم که از نظر طرفداران ماؤ، آزادی از میله تفنگ می برآید و جنایات سازمان شعله جاوید و «ساما» در اشتراک با اخوانی های افغانستان جنایت شمرده نمی شود.

ماؤیست های افغانستان چه قبل از کودتا سرطان ۱۳۵۲ شمسی و چی بعد از آن که با در اتحاد اخوالمسلمین، ویرانی جنگ را در کشور در پیش گرفتند بودند، با اقدامات کودتا ها ترویج شرارت و خصومت در میان افغانستان تا امروز شریک و نقش براننده داشته و دارند.

مردم افغانستان بخصوص کسانی که سن شان از پنجاه سال بالا است، ترورهای هدفمند گروپهای چریکی «ساما» بقایای سازمان شعله جاوید را در شهرهای کشور فراموش نکرده اند. همین لحظه که نوشته ام را می نویسم، خیرهای تلویزیون افغانستان در ۱۳۵۹ سالهای و ۱۳۶۰ شمسی در نزد مجسم شد، که گروپ چریکی «ساما» بر هبری میرویس «فراهی» در شهر کابل قتلهای ترور را انجام میدادند، بالاخره در خیرخانه شهرکابل دستگیر گردید.

مردم افغانستان بر اساس فرمایشات یکطرف عقده پر نمی توانند اعمال جنایاتبار طرف مقابل دولت وقت افغانستان را از قبیل وحشت، ترور، تیزاب پاشی بروی زنان و دختران، راکت پرانی های کور که مردم بیگناه ملکی را توسط گروپهای چریکی «ساما»، گلبدین، ربانی، حقانی و غیره که بکمک دشمنان مردم در کشور می کشتند «جهاد» بگویند. اعمال جنایاتی را که گروپهای چریکی «ساما» گلبدین، ربانی و حقانی و غیره بشمول جنایاتی که توسط رهبران ح. د. خ. در افغانستان انجام داده اند جنایت است.

مشکل اساسی در اینست که عده ئی از افراد خودخواه و پر عقده تصور میکنند که در کره خاکی تنها خود شان عقل عالم هستند، باید دیگران را بیسواد، ویا دزد و غیره خطاب نمایند.

سخنان عقده پر و تعرضات شخصی ننگارگر و همفکران او بر دیگر نویسندگان در برابر موضعگیریهای غیر علمی و چرندیات که آنرا با روپوش «تصوف»، جهاد و غیره می پیچانید جواب میدهند، در عوض آن که جواب علمی ارائه

نمایند، راه تعرض و توهین را درپیش میگیرید، این عمکرد آنان به ذات ثبوت عدم معرفت با تیوریها و تحارب علمی می باشد، جوابات تحقیر امیز آنها، خود یک نمایش مسخره است.

نظرات عده از منحرفین در مورد جنگ جاری کشور که روزانه صد ها انسان بیگناه کشته می شود، از کلکین برمنگهم عقده پرانی می نمائید، نوشته های آنان گواه روشن را بدست میدهند، که اینها در عمر پیری هنوز هم گیلن پترول را بدست دارند تا بالای آتش جنگ بیاشند.

این یک حقیقت تلخ است که در این آتش سوزی دشمنانه، افراطیت «مذهبی» در افغانستان، همه افغانهای که در گذشته دارای افکار سیاسی چپ و راست بودند باعث شعله ورساختن آتش جنگ شدند. اکنون عده زیادی از آنها در غرب زندگی میکنند که درین آتش نمی سوزند. اکنون مردم مظلوم کشور همه از اندیشه های شرارت پیشه و پخش دشمنی های دیرینه جنگ و سیاست در افغانستان که اکنون توسط «متفکرین» سیاسی چپ و راست مانند نوشته های منحرفین از کانالهای غرب نشر می شوند، می سوزند.

امید است که با تأمین صلح واقعی در افغانستان تمام خاینین که به هر حلقه سیاسی گذشته تعلق داشتند، به جزای اعمال جرمی شان توسط محاکم عادلانه در کشور برسند.



[برای مطالب دیگر محمد اختر یوسفی، اینجا کلیک کنید](#)